الباب الثامن و العشر من الواحد الثامن فی الصوم و لتذکرو…

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب الثامن و العشر من الواحد الثامن** فی الصوم و لتذکرو الله فی تسعة عشر یوما من کل حول آخره و انتم صائمون.

ملخص این باب آنکه اول مراد خدا را بدان از صوم که ثمرۀ آن چه چیز است و آن اینکه در ظهور قرآن اگر میبودی و از رسول خدا - صلی الله علیه و اله - سؤال مینمودی سبب فرض او را هر آینه جواب میفرمود بآنچه ذکر میشود که صوم از برای آن است که صائم شوی از هر کس که لدون الله هست مثلا در زمان رسول خدا - صلی الله علیه و اله - اگر دوست نمیداشتی هر کس که او را دوست ندارد و نبودی ازبرای هر کس که از برای اونباشد و صائم میشدی ثواب صوم از برای تو عطا میشد و همچنین حرفا بحرف در حروف واحد قرآن بیا و جاری کن تا منتهی شود بحرف آخر که جامع ظهورات کل واحد است که اگر صائم از دون آن میبودی هر آینه در آنروز صائم از برای خدا بودی

و همچنین نظر کن در نقطۀ بیان اگر شنیدی ظهور را و بر قلبت خطور کرد دون حقیت آن اصل دین تو مرتفع میشود چگونه بصوم رسد که فرعی از فروع دین تو است و در حین استماع حجت بر تو بالغ بود زیرا که آن کسی که بتو گفت بآیات احتجاج بتو نمود و همینقدر که محتجب ماندی احتجاب از اجابة الله بوده در ذر رابع زیرا که ظاهر بآن ظهور بود و خود را بظهور یکی از ابواب ذکر نموده بود این است که در ذر رابع ذر اول ظاهر بوده زیرا که در همان ذر کلمۀ: ”اننی انا لله لا اله الا انا“ نازل نمود که اگر صاحب فراستی در امکان باشد تواند سیر نمود و یقین نمود باینکه آخر عین اول است و ظاهر عین باطن در رتبه اول نه در رتبه ثانی زیرا که اسماء هر رتبه در رتبه او است تجاوز از حد او نمیکند مثلا نظر کن در ملک اول از اول وجود ذکر میشود تا آخر وجود ولی آن اولی که در آنجا ذکر میشود نتوان مقایسه نمود با اولی که در آخر وجود ذکر میشود وهمچنین کل مراتب اسماء و امثال را مشاهده کن و حکم کن

و اگر در این ظهور صائم شدی از حب دون حرف اول شو که در کل حروف دیده نمیشود الا همان یک حرف و چون که حکم بر واحد اول میشود نه بر اعداد متکثره هر کس ازبرای ایشان است صائم بدان و هر کس ازبرای دون ایشان است دون صائم و در وجوه ایشان ابواب جنت را مشاهده کن و در عدد واحد در ظل ابواب نار که حقیقت صوم صوم از ایشان است مثلا در یوم ظهور امیر المؤمنین علیه السلام کل صائم بودند ولی حکم صوم بر عبادی میشد که در حب او بودند و از دون حب او صائم و در هر ظهوری کل اهل آن ظهور باحکام آن ظهور عاملند ولی در بدء ظهور بعد مرتفع میشود حکم اصل ان چگونه بشئون اون رسد اینکه ذکر میشود مرتفع میشود و در ظهور بدع بآن ظهور ظاهر میشود و الا نه این است که مرتفع شود

و اگر کسی در این ظهور در حب آخر بود شهر الله را صائم و الا کل در آن حدودیکه هستند مطیعند ولی چه ثمر اگر کل مؤمنین بقرآن صائم نشده بودند و بر آن آنچه واقع شده بود نشده بود نزد خداوند احب بود از آنچه صائم شده اند و واقع شده زیرا که اگر واقع نشده بود شهادت او بر ما یقوم به الدین ایشان حکم ارتفاع نمیشد و حال اگر چه بشئون دین عامل بوده اند حکم ارتفاع میشود

و در حین صوم حق است بر صائم که مراقب شود رضاء الله را که از آن محتجب نگردد که اگر در حین صوم شجرۀ حقیقت طالع شود و حکم نماید بدون آن فی الحین اطاعت کند چه این صومی که الآن میگیرد بامر او بوده در ظهور قبل و همچنین کل اعمال را شاهد شو و از شرب و اکل و اقتران و مجادله اگر چه علما باشد و ظلم اگر چه قدر قیراط باشد و حکم بر خدا عاصم شو نفس خود را و در حکم ثلاثه آخر دقیق شو که از مبدأ ظهور تا اول ظهور دیگر هر کس حکم بر نقطه نموده همان حکم علی الله هست که مبطل بوده و همچنین حین ظهور ”من یظهره الله“ شبهه نیست که کل اهل بیان صائمند ولی اگر حکم بر او کنند هر آینه باطل میگردد مبدأ دین ایشان چگونه رسد بحکم شأنی از شئون آن

و از طلوع تا غروب مراقب باش و در اسم واحد ناظر و قبل از بلوغ بعدد اسم هو حکمی بر مؤمن و مؤمنه نبوده الا الی الزوال که اگر تجاوز نماید صائم نبوده و بعد از آن الی سنه بلی و فوق آن صائم نخواهد بود

نظر کن در هر جزئی از اجزاء اوامر الله که اگر کل ما علی الارض جمع میشدند نمیتوانستند تسع تسع عشر عشر آنی بحق دون آن حکم کنند و حال ببین بحر جود الهی را که چگونه متلاطم گشته در حق عباد خود بلا استحقاق ایشان که اگر بمحض استحقاق بود هر آینه در ان حجبی که بودند بودند و مبدأ عرفان فضل او بوده که اگر خود را نشناسانیده تا قیامت دیگر کل عامل بودند

و لتصومن لله ربکم لعلکم یوم القیمة عمن لم یؤمن ”بمن یظهره الله“ تبعدون.

